

مضامین پایداری در ادب فارسی و عرب با تکیه بر اشعار قیصر

امین‌پور و محمد الماغوط

آرش مشفق^۱، زهرا دوستی^۲

چکیده

قیصر امین‌پور یکی از پرچم‌داران ادب پایداری، در شعر معاصر ایران است و محمد الماغوط را می‌توان نماینده شعر پایداری عرب دانست. نقد و بررسی ادبیات پایداری یکی از شاخه‌های شعر معاصر است که در بطن خود، به بازتاب جلوه‌های مقاومت می‌پردازد. این نوشتار در پی آن است تا دیدگاه‌های دو شاعر از دو فرهنگ متفاوت را، نسبت به مقوله "مضامین پایداری" مورد بررسی و مقایسه قرار بدهد. قیصر امین‌پور و محمد الماغوط در شعر خود، مقوله‌هایی اعم از دعوت به مبارزه، اعتراض، انزجار از وضع موجود، امید رهایی، مقاومت مردم فلسطین، شهادت‌طلبی و مبارزه با دشمن مشترک؛ آمریکا و اسرائیل را، انعکاس داده‌اند. در نقد و بررسی شاخص مقاومت در شعر این دو شاعر، این نکته روشن می‌شود که قیصر امین‌پور در پرداخت برخی از مضامین پایداری، از اشعار محمد الماغوط تأثیر پذیرفته است. وجود شباهت‌های متعدد بین مضامین پایداری شعر این دو شاعر، این نکته را به اثبات می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: ادب پایداری، قیصر امین‌پور، محمد الماغوط، اعتراض، مبارزه.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. نویسنده مسئول.

Moshfeghi.arash@gmail.com

۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران.

zdoosti2@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۱

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۱۱

مقدمه

دقت در متون ادبی معاصر این واقعیت را روشن می‌کند که امروزه نقد و بررسی محتوایی مضامین پایداری یکی از مباحث برجسته ادبیات محسوب می‌شود. جنگ‌هایی که در جهان وقوع می‌یابد و ستم‌ورزی‌هایی که به منصفه ظهور می‌رسد، شاعران و نویسندگان را بر آن می‌دارد تا علاوه بر انعکاس مقاومت‌انسان عصر، به نقد شیوه‌ها و راهکارهای مقاومت بپردازند. از این رو ادب پایداری شعله امید به آزادی را در جان‌ها زنده نگه می‌دارد، دلاوران را پایداری می‌آموزد و شاخص‌های پایداری را می‌ستاید.

منطقه خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی، در سال‌های اخیر میدان انواع تاخت و تازها بوده است و مردم این منطقه به نوبه خود در برابر این شرایط مقاومت ورزیده و تا کنون کرامت انسانی خود را حفظ کرده‌اند. قیصر امین‌پور و محمد الماغوط از زمره شاعرانی هستند که در شعر خود به طرح مقاومت انسان معاصر پرداخته‌اند، ابراز انزجار نسبت به هر آنچه رنگ و بوی ستم دارد، در شعر این دو شاعر برجسته است و دعوت به مبارزه و امید به رهایی از زنجیر استبداد در آثار قیصر امین‌پور و ماغوط نمود برجسته‌ای دارد.

این نوشتار در پی این است تا به نقد و بررسی محتوایی جلوه‌های مقاومت در آثار این دو شاعر، از دو سرزمین جدا از هم، و دو فرهنگ متفاوت بپردازد. آنچه این پژوهش را حائز اهمیت می‌کند مقایسه دیدگاه‌های این دو شاعر به نقد محتوایی مضامین شیوه‌های مقاومت است، هم‌چنین میزان تأثیرپذیری شاعران از هم‌دیگر را برای ما روشن می‌کند. تأثیرپذیری شاعران از هم‌دیگر مسأله‌ای است که نمی‌توان آن را انکار کرد و این مهم در آثار این دو شاعر نیز به چشم می‌خورد.

پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهش علمی به نقد و بررسی محتوایی مضامین پایداری در شعر قیصر امین‌پور و محمد الماغوط نپرداخته است؛ اما پژوهش‌گران در خلال برخی از مقاله‌ها به بررسی شاخص‌های ادب مقاومت در شعر معاصر فارسی و عربی پرداخته‌اند، اهمّ این پژوهش‌ها به قرار زیر است.

الف- ناصر محسنی‌نیا و رضا میرزایی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان "جلوه‌های پایداری در شعر احمد صافی نجفی"، به بررسی ادب مقاومت در شعر این شاعر پرداخته‌اند. مقاومت و پایداری مردم عراق در آثار صافی نجفی بازتاب یافته است، پرداختن به مسأله فلسطین، اوضاع سیاسی و اجتماعی داخل عراق و همچنین استعمار و سیاست‌های غرب از جمله شاخص‌های ادب مقاومت در شعر این شاعر عراقی است.

ب- امیری خراسانی احمد و قاسم صدقیان‌زاده (۱۳۹۱) در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی انتظار به‌عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی" شاخص "انتظار" را به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های ادب مقاومت مورد بررسی قرار داده‌اند. مبارزه با یأس، اعتراض، ایجاد شور و هیجان از جمله مؤلفه‌هایی هستند که در قالب انتظار، در شعر این دو شاعر، به‌عنوان شاخص ادب پایداری معرفی شده‌اند.

ج- محسنی‌نیا ناصر (۱۳۸۸)، در مقاله "مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب" به صورت مبسوط به بررسی ادب مقاومت در ادبیات معاصر ایران و عرب پرداخته شده است. از دیدگاه مؤلفان، شاخص‌های ادب مقاومت از دیرباز در متون ایرانی و عربی بازتاب داشته است و شاعران با استفاده از نمادها و اسطوره‌های مقاومت، در آثار خود به انعکاس ادب پایداری پرداخته‌اند.

د- قادری فاطمه (۱۳۹۰)، با مقاله‌ای تحت عنوان "جلوه‌های مقاومت در آثار محمد الماغوط" به بررسی شعر مقاومت ادبیات سوریه پرداخته است. دعوت به مبارزه، احزاب ملی لبنان و جبهه مقاومت ملی و رابطه آن با عرب‌ها و مسأله فلسطین از نکات مورد تأکید در این مقاله است.

مباحث نظری تحقیق

۱. مفهوم‌شناسی ادب مقاومت و ویژگی‌های آن

مقاومت زمانی به خود شکل می‌گیرد که گروهی در صدد بر می‌آیند حق گروهی دیگر را تصاحب کنند، در این‌جاست که گروه ستم‌دیده از خود عکس‌العمل نشان می‌دهد و مقاومت به خود شکل می‌گیرد. آثار ادبی- به دلیل این که در همه اعصار به انعکاس پدیده‌های اجتماعی می‌پردازند- در زمان شکل‌گیری مقاومت نیز به بازتاب آن می‌پردازند.

محتوای این آثار دربرگیرندهٔ مباحثی است که هر گونه مبارزه را می‌ستاید و امیدواری به نجات را در دل‌ها شعله‌ور می‌سازد: «این نوع ادبیات، ادبیات عشق و ایثار است؛ ادبیات توفنده و پرتلاطمی که آلودگی به یأس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح، پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود، درواقع، این گونهٔ ادبی، در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به مثابه سلاحی بازدارنده، رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است» (کنفانی، ۱۳۶۱: ۱۷).

از این رو نقش بسزایی در ایجاد روحیه مقاومت در میان مردم دارد، از این جاست که در تعریف این نوع از ادبیات گفته‌اند: «نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آن‌چه حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصیری، ۱۳۸۸: ۲۶). به بیان دیگر «ادبیات مقاومت، بازتاب برخی دردهای مشترک، میان تمام جوامع بشری است که شاعران به‌عنوان وجدان آگاه جامعه، آن‌ها را فریاد می‌زنند و یادکردشان جوشش ضمیر شاعران را به مضمونی مشترک بدل می‌کند» (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۹). در ادبیات پایداری به طور معمول سخن از سه نوع پایداری است: ۱. پایداری در برابر دشمن خارجی، ۲. پایداری در برابر دشمن داخلی و نابرابری‌های جامعه، ۳. پایداری در برابر نفس» (صهبا، ۱۳۸۴: ۳۱۳).

مهم‌ترین ویژگی ادبیات مقاومت و بارزترین نموده‌های آن در متون ادبی، به قرار زیر است:

- ۱- صحبت بیرامون گروه و مردم و هویت؛
 - ۲- هوشیاری و بیداری و اعتقاد به حق و گذر از بحران‌های ملی و جنگ و فشار؛
 - ۳- هوشیار بودن نسبت به دشمن و آشکار ساختن اشتباهات و خطاهایش؛
 - ۴- رشادت در جنگ، و در مقابل ظلم و اشغال» (مجیدی، ۱۳۹۱: ۴۱۴).
- سؤالی که در این جا پیش می‌آید این است که شاعران و نویسندگان عرصهٔ ادبیات مقاومت، با خلق آثار در این زمینه، چه اهدافی را دنبال می‌کنند؟ طرح ویژگی‌های فوق در یک اثر ادبی، با چه اهدافی صورت می‌گیرد؟ برای پاسخ دادن به این سؤالات، بی‌راه نیست تا به

اهداف کلی شاعران و نویسندگان حوزه ادبیات مقاومت اشاره شود:

«ادبیات مقاومت، به طور خلاصه، اهدافش را با روش‌های زیر عملی می‌سازد:

۱- تمرکز روی شرایط ناگوار تحت آتش اشغال یا استبداد؛

۲- آشکارسازی نقشه‌ها و وسایل و حیل‌های دشمن؛

۳- تشویق مردم و استشهاد به الگوهای موفق در تاریخ؛

۴- تغییر دادن ذهنیت و احساسات و آماده‌سازی و بیدار ساختن مردم، به جای صدور

فرمان.

ادبیات مقاومت تنها حوادث و دشواری و تلخی‌های مقاومت را بازگو نمی‌کند، بلکه با تحریک همّت، غیرت، احساسات و اندیشه‌ها، تسلیحات سازی نیز می‌کند» (همان: ۴۱۹).
پیش از پرداختن به موضوع این پژوهش، لازم است با توجه به رویکرد ادبیات مقاومت در این بخش از نوشتار، به جایگاه ادب مقاومت در متون فارسی و عربی اشاره کوتاهی شود:

۲. جایگاه مقاومت در حوزه ادب فارسی و عربی

ادبیات فارسی و عرب، از برجسته‌ترین ادبیات پیشینه‌دار جهان به شمار می‌روند، دقت در متون ادبی و عربی این نکته را روشن می‌کند که بیش‌تر مضامین، گونه‌ها و مباحث ادبی در آثار این دو حوزه، جای گرفته‌اند، ادب مقاومت یکی از این گونه‌های ادبی است که در متون فارسی و عربی از قدمتی بس طولانی برخوردار است: «بزرگان دو ادب از قبیل فردوسی، رودکی، انوری و مسعود سعدسلیمان، ناصر خسرو قبادیانی، عطار، سنایی، مولوی، نظامی، خاقانی، جامی، سعدی در زبان فارسی و امری‌القیس، عروه‌بن‌ورد، شنفری، عمروبن کلثوم، حطیة، فرزددق، کمیت، دعبل، سیدحمیری ابونواس، متنبی، ابوالعلاء، احمد شوقی و محمود درویش در ادب عربی، همه و همه نمونه‌های مثال زدنی در این رابطه هستند» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۴۴). این نوع ادبی در متون فارسی و عربی، در دوره‌های مختلف شکل و گونه‌های متفاوت به خود می‌گیرد، تعمق در آثار فارسی و عربی حوزه مقاومت، گاه از وجود اشتراکات بین دو ادب فارسی و عربی خبر می‌دهد و گاه زمینه‌ها و شرایط، نکات تفاوت را آشکار می‌کند: «این نوع ادبی در این دوره‌ها، چه در ابیات فارسی و چه

در ادبیات عربی، گه‌گاه صورت‌های مشابهی به خود می‌گیرد و از مضامین مشترک و واحدی برخوردار است، گاهی نیز به دلیل تفاوت‌های جغرافیایی و تاریخی، صورت‌های خاصی به خود می‌گیرد به‌عنوان مثال، نبردهای صلیبی گونه‌ای از ادبیات مقاومت را در میانی شاعران عرب زبان آن دوره‌ها ایجاد کرد که در میان شاعران پارسی‌گوی به دلیل درگیر نبودن آن‌ها در موضوع، مصداق خاصی پیدا نکرده است» (همان: ۱۴۵). این تمایز و تشابه تا عصر حاضر نیز ادامه پیدا کرده است. اما نکته قابل توجه، در این‌جا پر رنگ شدن آثار ادبی با محتوای مقاومت، در عصر حاضر است. هم ادبیات فارسی و هم ادب عربی در جهان معاصر، رویکرد مضاعفی به مضامین ادب مقاومت نشان داده‌اند. بی‌شک زمینه‌های متعددی باعث توجه مضاعف ادب فارسی و عربی، به ادب پایداری شده است: «در جهان ایرانی آشنایی ایرانیان با مظاهر تمدن و پیشرفت مغرب زمین، گسترش ارتباطات، پیدایش صنعت چاپ، ایجاد مدارس و روزنامه‌ها و استبداد بیش از حد حکام... منجر به ایجاد و شکوفایی ادب مقاومت در دوره مشروطه گردید که نمونه‌های بارزی از آن در دست است... هم‌چنین دفاع از ارزش‌های انقلاب اسلامی در برابر بیگانگان و دفاع مردم مسلمان ایران در برابر هجوم دولت بعثی عراق، بخش مهمی از ادبیات مقاومت در سی سال اخیر را به نمایش گذاشته است... در جهان عرب نیز عواملی کمابیش مشابه، البته با قدری تفاوت به حسب شرایط اجتماعی و تاریخی حاکم بر جهان عرب، باعث بروز ادبیات مقاومت گردیده است» (همان: ۱۴۷). این امر ما را بر آن می‌دارد تا متون ادبی فارسی و عربی معاصر را از لحاظ شمول آن‌ها به شاخص‌های ادب مقاومت، مورد بررسی و بحث قرار بدهیم.

۳. جستاری درباره زندگی قیصر امین‌پور و محمد الماغوط

رویکرد این پژوهش بررسی آثار قیصر امین‌پور و محمد الماغوط با تکیه بر ادب مقاومت است لذا بی‌راه نیست پیش از پرداختن به موضوع، به صورت کوتاه به زندگی آثار این دو شاعر اشاره شود:

الف. قیصر امین‌پور

«قیصر امین‌پور در سال ۱۳۳۳ ه. ش در روستای کتوند شهرستان دزفول به دنیا آمد. در سال ۱۳۵۷ در رشته دامپزشکی دانشگاه تهران پذیرفته شد ولی پس از مدتی از این رشته انصراف داد و در سال ۱۳۶۳ وارد رشته زبان و ادبیات فارسی شد. قیصر از افرادی بود که در شکل‌گیری و استمرار فعالیت‌های واحد شعر سازمان تبلیغات اسلامی تأثیرگذار بود» (اقتصادی‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۳۸). امین‌پور را می‌توان شاعر اجتماعی نامید که همواره دغدغه مردم را داشت: «او تا آخرین آثار خود از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی دست برنداشت» (گرچی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). وی سرانجام در سال ۱۳۸۶ در تهران در گذشت.

ب. محمد الماغوط

«محمد الماغوط به سال ۱۹۳۴ در شهر سلمیه یکی از شهرستان‌های تابعه "حمات" واقع در ۲۱۰ کیلومتری شمال پایتخت سوریه، سوریه، دمشق به دنیا آمد. او قبل از آن‌که به بیست سالگی برسد به زندان رفت و همین امر باعث شد او از یک کشاورز روستایی ساده به موجود دیگری مبدل شود که در درونش ترس و وحشت مسکن گزیده و کابوس زندان و شلاق او را مضطرب و مشوش نماید» (کریمی، ۱۳۹۰: ۹۶).

زندگی سیاسی ماغوط با ورود او به زندان آغاز می‌شود: «او در زندان از نزدیک و شخصاً شاهد ظلم و جوری بود که ملت از آن رنج می‌برد» (بیدج، ۱۳۹۳: ۱۳).

آشنایی ماغوط با شاعران نامدار در زندان یکی از نقاط عطف زندگی وی به شمار می‌رود:

«الماغوط در زندان با آدوینیس آشنا شد و پس از آزادی به بیروت رفت و با تأسیس مجله شعر به جرگه اعضای آن پیوست.» (همان: ۷).

«ماغوط در غروب روز دوشنبه سوم آوریل ۲۰۰۶ موافق با اوایل ربیع‌الاول سال ۱۴۲۷ ه.ق و ۱۴ فروردین سال ۱۳۸۵ ه. ش در سن هفتاد و دو سالگی و با به جای گذاشتن آثار گران‌سنگ ادبی دار فانی را وداع گفت.» (همان: ۱۲).

بحث

۱. اعتراض

یکی از شاخص‌های مهم ادب مقاومت، مقوله "اعتراض" است: «در این نوع ادبیات، تفکرات مذهبی، و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی خاص مطرح می‌شود و مهم‌ترین مضامین آن بزرگ‌داشت آزادی و استقلال، وطن‌دوستی، ظلم‌ستیزی، مبارزه با استبداد و جهل و فقر و فساد اجتماعی و حمایت از طبقه محروم است.» (قربان‌پور آرانی، ۱۳۷۸: ۲۶). شاعران با اعتراض به هر آنچه غیرانسانی است، قصد دارند طرحی نو دراندازند و به این طریق مقاومت و پایداری انسان را در برابر ناراستی‌ها و نابرابری‌ها نشان بدهند: «شعر اعتراض، سرپیچی و عصیان در برابر بیداد و نارواست. با داشتن این احساس و هوشیاری عمیق که ادامه این وضع، نامعقول و تغییر دادن آن ضروری است، با اطمینان به امکان وقوع تغییر» (صدقی، زارع، ۱۳۹۳: ۶۵). در شعر قیصر امین‌پور نموده‌های "اعتراض" به چشم می‌خورد: «شعر قیصر به صورت گسترده‌ای به جامعه پیرامون خود توجه دارد، شعری سازنده که برخاسته از کاستی‌های جامعه است. وی شعر اعتراض را دست‌مایه کار خویش ساخت و به اجتماع زمانه‌اش تاخت» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۱).

در شعر قیصر امین‌پور نموده‌های "اعتراض" به چشم می‌خورد: «شعر قیصر به صورت گسترده‌ای به جامعه پیرامون خود توجه دارد، شعری سازنده که برخاسته از کاستی‌های جامعه است. وی شعر اعتراض را دست‌مایه کار خویش ساخت و به اجتماع زمانه‌اش تاخت» (همان: ۲۱). قیصر امین‌پور، در شعر خود سیمای مردی معترض را دارد. از نظر او انسانیت انسان زمانی رخ می‌نماید که در برابر ناملایمتی‌ها آرام ننشیند و هر آنچه را که اندیشه او بر نمی‌تابد مورد اعتراض قرار بدهد، از این رو قیصر در شعر، اعتراض خود را نسبت به جهانی - که در آن می‌زید - ابراز می‌دارد:

گل بو / گل‌خانه جهان / خالی ست / لبریز بوی نام تو باد / باد! (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۳۱).
در قطعه فوق، جهان به گل‌خانه‌ای مانند شده است که از گل خالی است و روح شاعر این نکته را بر نمی‌تابد، لذا آن را به شکل اعتراض در شعر خود نشان می‌دهد.

محمد الماغوط نیز در حلقه شاعران معترض قرار دارد: «او به‌عنوان یک انسان آزادی خواه، نمی‌تواند ستم و سلطه ظالمان و استعمارگران را نظاره‌گر باشد، از این رو در آثار خود خلق را به مبارزه با ظلم و بیداد فرا می‌خواند» (قادر، ۱۳۹۰: ۴۳۶). ماغوط سر آن دارد تا مقاومت و پایداری را در قالب اعتراض به تصویر بکشد.

از این رو در شعر ماغوط هم، جلوۀ "اعتراض" به چشم می‌خورد، این شاعر سوری، انسان منهای اعتراض را بر نمی‌تابد و معتقد است انسان بدون "فریاد زدن" - بر سر هر آنچه قبول ندارد - دیوانه‌ای بیش نیست:

خاموش، ساکت، آرام، مذاکرات سرنوشت ساز است. / پس کی فریاد بزنم / من غرق می‌شوم / من می‌سوزم / پشت میله‌ها، در تیمارستان! (الماغوط، ۱۳۹۳: ۱۰۱).

با بررسی نمود اعتراض در شعر این دو شاعر می‌توان دریافت که هر دو در آثار خویش به مقولۀ اعتراض اعتقاد دارند و قیصر امین‌پور با تأثیرپذیری از ادب عرب به ویژه شعر ماغوط، شعر خود را در شمار اشعار اعتراض قرار می‌دهد. نکته حائز اهمیت در این جا مضامین اعتراض در شعر این دو شاعر است، کدام مسائل در شعر ماغوط و قیصر مورد اعتراض‌اند؟ برای پاسخ دادن به این سؤال می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. اعتراض به غرب‌زدگی و دنیای مدرن

یکی از مضامین برجستۀ مقاومت در شعر امین‌پور، اعتراض به مظاهر دنیای مدرن و مصادیق فرهنگ غرب است: «محور شخصیتی قیصر، یعنی بعد عاطفی وی، مهم‌ترین عامل اعتراض قیصر به دنیای ماشینی است، دنیایی که در آن احساس و عصب جای خود را به دود و آهن و شب داده است» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۳).

با این همه خبر / در عصر شب / در عصر خستگی / در عصر بی‌عصب / در روزنامه عصر / از شرح حال ما اثری نیست / عصر خواب و خلسه و خمیازه / در عصر آخرین خبر تازه / از نام ما / در روزنامه اثری نیست (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۳۲).

در قطعۀ زیر شاعر اذعان می‌کند که دنیای مدرن برای او ملال‌آور شده است، لذا آرزو می‌کند غلبۀ طبیعت، آدمی را از زندگی مدرن امروزی دور کند:

روزی که جای نامه و مهر و تمبر / بال کبوتری را / امضا کنیم / و مثل نامه‌ای بفرستیم / صندوق‌های پستی / آن روز آشیان کبوترهاست (همان، ۲۳۶).

ماغوط هم بر این باور است که فرهنگ غرب مایۀ نابودی انسان است، او معترض مظاهر دنیای غرب است و جابه‌جا در اشعارش اعتراض خود را نسبت به غرب و مصادیق آن ابراز می‌کند:

اما مختصر بگویم / آمریکا موز می‌کارد / اسرائیل می‌خورد / و ما با پوستش لیز می‌خوریم (الماغوط، ۱۳۹۳: ۲۳۸).

در همین راستا، اعتراض خود را متوجه ملت شرق می‌کند که در برابر هجوم غرب کمر خم می‌کنند:

این شرق چاق و چله و باد کرده / چرا این همه خم می‌شود؟ (همان: ۱۸۸)
 هر چند اندکی تفاوت بین اعتراض ماغوط و قیصر امین‌پور دربارهٔ دنیای مدرن و غرب به چشم می‌خورد اما در یک نگاه کلی می‌توان گفت که هر دو شاعر از تسلط فرهنگ غرب - که به دنبال خود ماشینیسیم را به همراه دارد - بی‌زار و گله‌مند هستند و این یکی از نکات مشترک شعر اعتراض این دو شاعر به شمار می‌رود.

ب. اعتراض به نابودی ارزش‌ها

قیصر امین‌پور صدای اعتراض خود را زمانی بلند می‌کند که می‌بیند ارزش‌ها نابود می‌شوند و رنگ می‌بازند، در باور او، زمانی که نظام ارزشی یک جامعه در هم بریزد دروغ و ریاکاری بر آن‌جا حاکم خواهد شد، لذا از ریاکاری بی‌زار است و اعتراض خود را به شکل زیر ابراز می‌کند:

ز دین ریا بی‌نیازم، بنازم به کفتری که از مذهبم می‌تراود
 (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۹۶)

در بیت‌های زیر اعتراض شاعر از دگرگونی ارزش‌ها به گوش می‌رسد، در این میان آنچه بیش‌تر تغییر می‌کند دل‌های مردمان است که غرق در دورویی و نفاق و ریاکاری می‌شود و قیصر از این وضعیت سخت به تنگ است:

اول آبی بود این دل، آخر اما زرد شد آفتابی بود، ابری شد، سیاه و سرد شد
 صاف بود و ساده و شفاف، عین آینه آه، این آینه کی غرق غبار و گرد شد؟
 (همان: ۴۸)

در شعر الماغوط نیز می‌توان نشانی از این نوع اعتراض را مشاهده کرد. او زمانی که می‌بیند ارزش‌های اخلاقی در سرایشی خسران می‌غلطند، فریاد اعتراض‌آمیز خود را در قالب واژه‌ها بلند می‌کند، ماغوط از رفتارهای ضد اخلاقی که بر جامعه‌اش حاکم شده است

بسیار گله‌مند است و اعتراض نفرت‌آمیز خود را در قالب واژگان زیر، به نمایش می‌گذارد: متنفرم از غربت / از درد / گرسنگی / تشنگی / دزدها / کینه / فقر... (الماغوط، ۱۳۹۳: ۷۰).

۲. فرار از سکون و تسلیم

یکی از موارد اعتراض در شعر شاعران، سکون و تسلیم است. بیش‌تر شاعران در شعر خود در پی آنند که حرکت و پویایی را در جامعه ایجاد کنند و آن‌جا که حس می‌کنند سکون روح انسان‌ها را نابود می‌کند، اعتراض خود را برملا می‌کنند. قیصر امین‌پور در قطعه‌ی زیر با مخاطب قراردادن دل خود، نارضایتی خود از تسلیم و سکون را آشکار می‌کند: دلا به حال تو افسوس می‌خورم که نرفتی تویی به ماندن راضی، اگر درست بگویم (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۰۴)

ماغوط نیز از سکون و سکوت بی‌زار است، در شعر او همواره تصویر مردی به چشم می‌خورد که از دعوت به سکوت به ستوه آمده است:

سکوت... بیمارستان است / سکوت... دادگاه / سکوت... ماشین / ... خاموش، سکوت، آرام، مذاکرات سرنوشت‌ساز است / پس کی فریاد بزنم (الماغوط، ۱۳۹۳: ۱۰۲).

او در آرزوی روزی است که زنجیرهای تسلیم‌شدگی را از هم بگسلد، سکون را پس براند و به انقلاب برخیزد، از دیدگاه ماغوط راه پایداری، همین است و بس: من فقط می‌خواهم / باشتاب به آسمان برسم / که تازیانه را / در دست خدا بگذارم / شاید ما را / به انقلاب برانگیزد (همان: ۳۰۷).

به اعتقاد ماغوط و قیصر: «نبود محرک و پشتوانه‌ی قوی معنوی و اعتقادی، عامل مستقیم در نابودی انگیزه در انسان‌ها است» (فلاحی، ۱۳۹۳: ۲۲). لذا هر دو شاعر در شعر خود می‌کوشند تا مخاطبان خود را به تحرک و پویایی دعوت کنند و از تسلیم و سکون دور نگه دارند. شعرهایی با این مضمون در آثار قیصر نشان‌دهنده‌ی تأثیرپذیری این شاعر از ادب عرب به ویژه شعر محمد الماغوط است.

۳. دعوت به مبارزه

«در سدهٔ اخیر، هجوم استعمارگران به منابع فرهنگی و مادی ملت‌های ضعیف در همهٔ زمینه‌ها واکنش عمیقی برانگیخته است و بیش از همه شاعران بوده‌اند که وظیفهٔ مقابله با ستم استعمار را بر عهده داشته‌اند» (غنی‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۵۶).

این مقابله با ستم، به دست شاعران متعهدی انجام می‌گیرد که در شعر خود مخاطبان را دعوت به مبارزه می‌کنند، به اعتقاد شاعران عرصهٔ مقاومت انسان با مبارزه تفسیر می‌شود و هنگامی که به ارزش حیاتی آن دست یافت دیگر هرگز مبارزه را وانمی‌گذارد: «این مطلق-بودن و انسان‌بودن و در نهایت این انسانیت که بسیاری از درک آن غافل‌اند، در مبارزه معنا می‌شود و آنگاه که عظمت آن درک شود، کسی به فروتر از آن تن در نمی‌دهد و در این هنگام است که مرگ را شکست داده است و به زندگی واقعی رسیده است» (قادری و زینی، ۱۳۸۸: ۱۱۲).

قیصر امین‌پور در صف این شاعران قرار دارد: «قیصر از نخستین شاعران انقلاب اسلامی است که پس از شروع جنگ تحمیلی عاشقانه پا به عرصه دفاع مقدس گذاشت و با حضور در جبهه‌های جنگ، به خواندن اشعار خود برای روحیه‌دادن به رزمندگان می‌پرداخت و آنان را به مبارزه و جهاد تشویق می‌کرد» (روشن، اتق، ۱۳۹۳: ۸۷).

باید زمین گذاشت / قلم‌ها را / دیگر سلح سرد سخن کارساز نیست / باید سلاح تیزتری / برداشت / باید برای جنگ / از لولهٔ تفنگ بخوانم / با واژهٔ فشنگ / امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۰).

در برخی از شعرهای او می‌توان سرود حماسه را شنید، سرودی که با ضرب‌آهنگ واژه-ها، مخاطبان را دعوت به مبارزه می‌کند:

ناگه رجز هجوم خواندند / برگ‌گرفتهٔ گردباد راندند
شستند به خون شب زمین را / شمشیر به آسمان رساندند
(همان: ۱۱۴)

در بیت زیر او به طور مستقیم از حماسه‌ای سخن می‌گوید که طنین آن گوش جهان را کر کرده است:

آغاز شد حماسهٔ بی‌انتهای ما / پیچید در زمانه طنین صدای ما
(همان: ۴۰۲)

در قطعه زیر قیصر با استفاده از واژه "رود رود" سر آن دارد تا مادران مرز و بومش را برای مبارزه‌ای بی‌امان تشویق کند. این واژه به طور معمول از سوی مادرانی ادا می‌شود که فرزند خود را از دست داده‌اند، قیصر با آوردن این واژه در شعر، قصد دارد احساسات مخاطب خود را برای مبارزه و رهایی از این همه اندوه انبوه تحریک کند:

باید گلوی مادر خود را / از بانگ رود رود بسوزانیم / تا بانگ رود رود نخشکیده است / باید سلاح تیزتری برداشت (همان: ۳۸۹).

او معتقد است مبارزه در هر برهه زمانی، به شکلی متفاوت نمود پیدا می‌کند، زمانی مبارزه در میدان جنگ اتفاق می‌افتد و زمانی واژگان و زبان سرخ، رسالت مبارزه را بر عهده می‌گیرند، چنان‌که با پایان یافتن جنگ هشت ساله ایران و عراق شعر او رنگ و بویی دیگر از مبارزه را به خود می‌گیرد: «با پایان یافتن جنگ حسرت و دریغ جا ماندن از کاروان شهیدان، تنهایی و غربت، شرم از شهیدان، جای خود را به شعر جهاد و مبارزه داد» (صرفی و هاشمی، ۱۳۹۰: ۲۲۴).

ماغوط هم در شعر خود مبارزه را اصل مقاومت و پایداری می‌داند، از دیدگاه او زمانی مردم از یوغ استعمارگران آزاد خواهند شد که مبارزه را عملی سازند، رویکرد عمده ماغوط در اشعاری از این دست، دعوت به مبارزه برای مردمی است که سرزمین آنان تحت اشغال واقع شده است: «ماغوط برای تشویق به مبارزه، آحاد ملت را در برابر واقعیت تلخ اشغال سرزمین‌شان و تبعات ناشی از آن قرار می‌دهد» (قادری، ۱۳۹۰: ۴۳۹). از دیدگاه او، تا زمانی که روحیه مبارزه در بین مردم تحت اشغال باشد کسی نمی‌تواند بر آنان ستم بورزد:

و در جهان قدرتی نیست

تا مرا وا دارد / دوست بدارم آنچه را دوست نمی‌دارم / و دوست ندارم آنچه را دوست می‌دارم / مادامی / که توتون و کبریت و خیابان... / هست (الماغوط، ۱۳۹۳: ۲۸۲).

انسان آرمانی ماغوط، به مخاطب این اطمینان را می‌دهد که هرگز باد ستم ما را ریشه-کن نخواهد کرد، او اهل مبارزه و جنگیدن است و معتقد است برای به دست آوردن آرمان، باید مبارزه کرد:

در این برهه مرا به حال خود رها کنید / زیرا با تمام وجود / برای تحقق یک پیروزی تمام عیار / یا شکستی شنیع برای امتم مشغولم (همان: ۱۶۳).

۴. شهادت‌طلبی

شهید و شهادت‌طلبی در جامعه از قداست خاصی برخوردار است، چون: «خون شهید، موجی در جامعه برمی‌انگیزاند که خوبی‌ها و نیکویی‌ها را ترویج می‌دهد و بدی‌ها و مفاسد را از بین می‌برد» (خومحمدی خیرآبادی، ۱۳۹۰: ۳). تقدیس شهیدان و ترویج فرهنگ شهادت‌طلبی یکی از جلوه‌های مقاومت در شعر قیصر امین‌پور است: «قیصر امین‌پور از شاعران بزرگ معاصر و از سرایندگان بنام ادبیات جنگ است که به ثبت دلاوری‌های مدافعان این مرز و بوم پرداخته است، و از وقار بی‌قرار و حماسی پاسداران ایران کهن یاد می‌کند، در خون تپیدگانی که هستی خویش را به بهانه دفاع از ناموس و شرف این سرزمین و هم‌چنین بهبود زندگی آیندگان فدا کردند» (فتحی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۴). شاعر بارها در آثار خود از زبان این شهیدان می‌سراید:

موجیم و وصل ما از خود بریدن است ساحل بهانه‌ای ست رفتن رسیدن است
(امین‌پور، ۱۳۸۹: ۱۲۵)

مقوله شهادت‌طلبی در شعر او طی چند طیف، بازتاب یافته است، امین‌پور در شعرش گاه نام خاص شهیدی را آورده و شعر خود را به مقام شامخ آن شهید تقدیم کرده است، شهیدان دفاع مقدس از این دست شهیدان، در شعر قیصر هستند. اما با توجه به این‌که دوره کوتاهی از شاعری قیصر مربوط به دوران وقوع انقلاب اسلامی است، در میان اشعار او می‌توان ستایش شهیدانی را شاهد بود که در راه آرمان‌های انقلاب، خون خود را ایثار کردند:

خورشید خم شد تا نگاهت را ببوسد گل غنچه شد تا قرص ماهت را ببوسد
(همان: ۱۹۴)

او شهادت‌طلبی را جلوه‌ای از مقاومت می‌داند و ستایش مقام شامخ شهیدان در شعرش، در همین راستا است:

تو هم چون غنچه‌های چیده بودی که در پریر شدن خندیده بودی
مگر راز حیات جاودان را تو از فهمیده‌ها فهمیده بودی
(همان: ۲۲)

از دیدگاه قیصر امین‌پور، شهیدان هرگز نمی‌میرند بلکه خون آنان مقدمه‌ای برای سبز شدنشان است:

هر چند سرخ سرخ به خاک افتاد / اما / این ابتدای سبز او بود (همان: ۳۸۱).
امین‌پور در شعر خود، در راستای ستایش فرهنگ شهادت‌طلبی، حسرتی پنهان را در
پس واژه‌ها به نمایش می‌گذارد، در شعرهایی با مضمون شهادت‌طلبی، می‌توان آه و حسرت
مردی را شنید که نتوانسته حتی جرعه‌ای از جام شهادت را بنوشد:
در خاک شد صد غنچه در فصل شکفتن / ما نیز جز خاکستری بر سر نکردیم / لیبیک
گفتن را لیبی هم تر نکردیم (همان: ۳۹۲).

تقدیس شهیدان و حسرت یاد و خاطره آنان، به‌عنوان یکی از مصادیق پایداری در شعر
ماغوط هم، بازتاب دارد. ماغوط از فراموشی شهیدان - که نماد مبارزه و پایداری اند - در
حسرت است:

اما بوی توطئه‌هایی که هر روز / ... کشف و خنثی می‌شود / بوی هیچ غنچه یا گلی را
/ روی قبر شهدا / باقی نگذاشته است (الماغوط، ۱۳۹۳: ۱۵).
ماغوط وطن را زمانی پایدار و پابرجا می‌داند که شهیدان برای حفظ آن خون خود را
نثار کنند، لذا در شعر او، شهیدان از جایگاه بس ارزنده‌ای برخوردار هستند:
هزاران هزار آدم کفن‌پوش / صف گرفته‌اند / تا در راه یک ذره خاکت / به شهادت
برسند (همان: ۲۶۵).

با بررسی مقوله شهادت‌طلبی در شعر ماغوط و قیصر می‌توان دریافت که هر دو شاعر به
ترویج فرهنگ شهادت‌طلبی اعتقاد دارند و بر این باور هستند که شهادت‌طلبی یکی از
شاخص‌های مهم مقاومت است. می‌توان در شعر هر دو شاعر، اعتراض آنان را در خصوص
فراموشی یاد شهیدان به عینه شنید و تقدیس شهیدان را مشاهده کرد.

۵. امیدواری و اعتقاد به منجی

مقوله، "امید" در ادب مقاومت جایگاه مهمی دارد. شاعران با آگاهی از این امر، در شعر
خود، مخاطبان را امیدوار می‌کنند که روزی از بندها رهایی خواهند یافت. این جان‌مایه،
مقاومت و پایداری را مضاعف می‌کند و سبب می‌شود آدمی برای تحقق آرمان‌هایش، مبارزه
و تلاش کند (۱). قیصر در شعر پایداری خود ستایش‌گر امید است: «تصور یک آینده
روشن، همراه با تمام خوبی‌ها و رسیدن به آرزوهای انسانی در بسیاری از اشعار او حضور

دارد» (امیری خراسانی و صدقیان زاده، ۱۳۹۱: ۱۰). او باور دارد که روزی صلح و دوستی و... برقرار خواهد شد به شرط آن که حکم طوفان در دست مردان باشد، طوفان سرآغاز پیروزی در شعر قیصر است:

تیغ مردان خورشید در مشیت کور سوی شب تیره را کشت
کوله بر پشت و سجاده در پیش جاده در پیش رو، جاده در پشت
مهر پایان مرداب در دست حکم آغاز طوفان در انگشت
(امین پور، ۱۳۸۹: ۱۵۴)

مضمون برجسته "انتظار" در شعر قیصر، در راستای مقوله "امید"، به خود شکل می‌گیرد: «در گوشه گوشه اشعار قیصر امین پور، مفهوم انتظار نهفته است، این انتظار بیش‌تر جنبه روحانی و عارفانه دارد اما می‌توان در آن تمامی خصال یک انسان منتظر و جلوه‌های انتظار را دریافت» (امیری خراسانی و صدقیان زاده، ۱۳۹۱: ۱۰).

ای روز آفتابی / ای مثل چشم‌های خدا آبی / ای روز آمدن / ای مثل روز آمدنت روشن! / این روزها که می‌گذرد هر روز / در انتظار آمدنت هستم (امین پور، ۱۳۸۹: ۲۴۰). در شعر قیصر، همواره منجیبی وجود دارد که امید را در دل‌ها زنده نگه می‌دارد، این منجیبی به طور حتم دنیا را از زشتی‌ها و پلشتی‌ها نجات خواهد داد و صبح و روشنی را به ارمان خواهد آورد، او آرمان شهر شاعر را تحقق خواهد بخشید:

ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آن که در دستش کلید شهر پر آینه دارد
(همان: ۰۹۴)

ماغوط نیز در شعر خود تصویرگر انسانی است که مبارزه می‌کند و به مبارزه خود ایمان دارد، او در شعر زیر به ترسیم انسانی می‌پردازد که تا بن دندان آماده برای مبارزه و پایداری است و امید مهم‌ترین سلاح اوست:

تا بن دندان مسلح هستم / که خداوند مرا بدین سان آفرید: / هم توفانم و هم کشتی...
(الماغوط، ۱۳۹۳: ۲۸۱).

خلق یک منجیبی با تمایلات و خواسته‌ها و آرزوهای آرمانی در شعر ماغوط نمود ویژه-ای دارد. منجیبی در شعر ماغوط بهره‌مند از قدرت و توانایی است که می‌تواند در برابر ناملایمات، ناامیدی‌ها، ستم‌ها و بی‌عدالتی‌ها بایستد و مدینه فاضله را رقم بزند. ماغوط در

شعر خود انسان را دارای چنان قداست و توانمندی می‌داند که بر همه نیروهای اطراف خود می‌تواند فائق آید.

منجی در آثار ماغوط، حضور دارد و شاعر ایمان دارد که روزی این منجی خواهد آمد و در برابر جنگ‌ها و بی‌عدالتی‌ها مقابله خواهد کرد و روزی را به ارمغان خواهد آورد که انسان در برابر این همه ستم‌ورزی‌ها، پیروز شده است. در شعر زیر ماغوط به آتش دامن-گیری اشاره می‌کند که جامعهٔ اعراب را در بر گرفته است اما او معتقد است که هرگز باد ستم انسان را از بین نخواهد برد. این همان انسان آرمانی یا منجیبی است که در شعر ماغوط مقاومت و پایداری را رقم می‌زند:

آیا از زنده به گور شدن می‌ترسی؟ / واهمه نداشته باش / ما در نیمه باقی‌مانده از وطن / تا به گردن در خاک فرو می‌رویم. / و باد ما را نخواهد برد (همان: ۱۱۵).

او اهل مبارزه و جنگیدن است. برای به دست آوردن آرمان، باید مبارزه کرد، آن زمان است که پیروزی تمام عیار در اختیار آدمی خواهد بود:

در این برهه مرا به حال خود رها کنید / زیرا با تمام وجود / برای تحقق یک پیروزی تمام عیار / یا شکستی شنیع برای امتم مشغولم. (همان: ۱۶۳).

منجیان در آثار ماغوط، از جان خود می‌گذرند و به خاطر تحقق آرمان آدمی، کفن می‌پوشند:

با تمام این احوال / هزاران هزار آدم کفن پوش / صف گرفته‌اند / تا در راه یک ذره خاکت / به شهادت برسند (همان: ۲۶۵).

از نظر ماغوط، می‌توان در سایهٔ ایمان به مبارزه، امید بست و پیروز شد، این امیدواری به نتیجه مبارزه، شعر او را در زمرهٔ آثار پایداری قرار می‌دهد، ماغوط در قطعهٔ زیر به طور صریح اذعان می‌کند که در برابر دشمن، امید، همیشه فاتح است:

وقتی با خطر مواجه می‌شوی / و دشمن از هر طرف دورت را می‌گیرد / چه حالی پیدا می‌کنی؟ / پاسخ من این است: / با صبر و ایمان / همه مشکلات را / از سر راهم بر می‌دارم (همان: ۱۰۴-۵).

ماغوط بارها در شعر خود، ایمان به بار نشستهٔ انسان آرمانی را به تصویر می‌کشد. این انسان در شعر ماغوط نشان می‌دهد که به اوج دست خواهد یافت و صبح و روشنی از آن

او خواهد شد:

فردا - ای یار - فردا / با ملوانان و بادبان‌های دریایی / سحرگاهان بیدار می‌شویم / و با باد بالا می‌رویم / چون پرندگان (همان: ۲۷۸).

می‌توان گفت "امید" و اعتقاد به آمدن یک منجی از مشترکات اشعار قیصر و ماغوط به شمار می‌رود. هر دو شاعر با خلق این مضمون، شاخصی از ادب مقاومت را در آثار خود نشان می‌دهند، قیصر امین‌پور به تبعیت از ماغوط، سر آن دارد تا با ایجاد امید در مخاطب شعر خود، مقاومت و پایداری را در روح و روان او صد چندان کند.

۶. مقاومت و مسأله فلسطین و اسرائیل

بی‌زاری از اسرائیل و سیاست‌های آن، در شعر مقاومت جهان بازتاب وسیعی دارد (۲) «نقش ادبیات مقاومت فلسطین به طور کلی برانگیختن، بسیج‌کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه‌ عمومی به سمت قیام است که به مسأله مبارزه کمک می‌کند» (روشن‌فکر و دیگران، ۱۳۹۰: ۴۲). قیصر امین‌پور در شعر خود به مسأله فلسطین توجه نشان داده است و آن را یکی از ارکان ادبیات پایداری شمرده است. او در شعر خود سیمای مردی دل‌ واپس را دارد که از سرنوشت فلسطین و سرزمین‌های اشغالی غرق در دل‌ واپسی است: «امین‌پور برای همه انسان‌ها نگران است، زیرا برای انسان‌ها می‌سراید، شعر پنجره در فضایی نمادین، مردم فلسطین را به تصویر می‌کشد که در انتظار آزادی هستند، پنجره نماد رهایی و روزهای پرامید آینده است» (همان: ۴۵).

در انتهای کوچه شب زیر پنجره قومی نشسته خیره به تصویر پنجره (امین‌پور، ۱۳۸۹: ۳۴۸)

در شعر قیصر بکرات مقاومت فلسطین و دیگر کشورهای عربی بازتاب یافته است، ستم‌دیدگی و مظلومیت مردم به تصویر کشیده شده و مقاومت آنان مورد ستایش قرار گرفته است.

قیصر امین‌پور در شعر خود، همانند عکاس یا نقاش هنرمند، تصویری واقعی از مقاومت مردم این مناطق ارائه می‌کند. در قطعه زیر «امین‌پور در شعر منظومه فلسطین، به شکلی نمادین فلسطین را به کبوتر و اسرائیل را به کرکس تشبیه می‌کند» (ایشانی، ۱۳۹۲: ۴).

آن کیوترز یاران ما بود / رنگ بال و پرش آشنا بود / اینک آن مرغ غمگین و تنهاست / ... تا که آن خانه را پس بگیریم / آشیان را ز کرکس بگیریم (امین پور، ۱۳۸۹: ۴۹۸).

در شعر ماغوط هم می‌توان رگه‌های برجسته‌ای از این تنفر را مشاهده کرد: «نبض شعر عرب، امروز با مسأله فلسطین می‌تپد، شاید نتوان شاعری یافت که در کشورهای عربی شعر بگوید و موضوع بخشی از شعرهایش را فلسطین تشکیل ندهد» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۲۵۰). در شعر این شاعر سوری هم بکرات نفرت از اسرائیل و آمریکا، و سیاست‌های آنان به چشم می‌خورد:

ما همه قربانیان آزار آمریکا هستیم / آیا من چنین اجتهاد را بپذیرم؟ (الماغوط، ۱۳۹۳: ۲۶۹)

ماغوط از این که وطنش به دست استعمارگران اشغال شده است، دلگیر است و ندای مبارزه‌طلبی سر می‌دهد و مانند قیصر امین پور، اشغال سرزمین‌های اعراب را نمونه‌ای برای برملا کردن سیاست‌های اسرائیل ذکر می‌کند:

این رؤیای قدیمی همیشه با من بوده: / وطنی اشغال شده را آزاد کنم / یا گمشده را پیدا کنم (همان: ۶۲).

محمد الماغوط در کنار ترسیم سیمای مظلوم مردم فلسطین و دیگر سرزمین‌های تحت اشغال، همانند متفکری دردمند، به دنبال ریشه‌ی درد می‌گردد و آن را در شعر خود مطرح می‌کند. ماغوط تنها استبداد را عامل این اشغال‌گری نمی‌داند بلکه گاه قلم را به سوی خود اعراب نشانه می‌گیرد و خود مردم را مقصر اصلی ستم‌دیدگی می‌نامد، در شعر زیر نفرت او از مردمی مشهود است که در برابر سرنوشت وطن خود، بی‌مسئولانه رفتار می‌کنند:

من اتفاقی با وطنم آشنا شدم
و خورشیدش گرمم کرد / ... اما بعد / تعجب کردم که چطور فرزندان / دلشان می‌آید /
که جوی‌هایشان را پر کنند / اشغال‌هاشان را روی درهایش تلنبار کنند / و روی
دیوارهایش آب دهان بریزند؟ (همان: ۱۸۵)

نتیجه‌گیری

از بررسی و مقایسه جلوه‌های مقاومت در شعر قیصر امین پور و محمد الماغوط نتایج

زیر به دست آمده است:

قیصر امین‌پور به‌عنوان یکی از شاعران ادب مقاومت در شعر معاصر فارسی، به بازتاب جلوه‌های مقاومت در شعر خود، در سطح وسیع پرداخته است و محمد الماغوط به‌عنوان شاعر سوری، در شعر خود به انعکاس مصادیق مقاومت پرداخته است. بررسی مضامین مشترک مقاومت، در شعر این دو شاعر، این واقعیت را روشن می‌کند که قیصر امین‌پور در پرداخت مضامین مقاومت، متأثر از ادب عربی بوده است و در این میان نمی‌توان تأثیرپذیری او از شعر ماغوط را نادیده گرفت.

اعتراض به‌عنوان یکی از مصادیق برجسته مقاومت در شعر هر دو شاعر نمایان است، اعتراض دنیای مدرن، جامعه غرب و غرب‌زدگی، اعتراض به وضع جامعه خویش، ستایش اعتراض به‌عنوان راهکاری بر پایداری، از نکات مشترک شعر قیصر امین‌پور و ماغوط به شمار می‌رود. امید به رهایی، پرهیز از سکون و تسلیم، دعوت به مبارزه و شهادت‌طلبی از دیگر جلوه‌های مقاومت در شعر قیصر امین‌پور و محمد الماغوط است.

پی‌نوشت‌ها

۱. «در آثار ادبی پایداری همه‌ملت‌ها نوید و امید به پیروزی همواره هست و پیروزی ظاهری از جانب شاعر پایداری به سخره گرفته می‌شود» (سنگری، ۱۳۸۹: ۷۴).
- ۲- «دشمن نقش ثابت کننده‌ای در شعر مقاومت بر عهده دارد. شاعر مقاومت، همواره با توصیف دشمن و بیان جنایات او به طور غیر مستقیم می‌کوشد تا علاوه بر نشان دادن مظلومیت مردم، حس انتقام و ادامه مبارزه را در نیروی خودی به وجود آورد» (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۷).

منابع

الف. کتاب‌ها

۱. امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۹). مجموعه کامل اشعار. تهران: نشر سروش و افق.
۲. بصیری، محمدصادق. (۱۳۸۸). سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی. ج: ۱. کرمان: نشر دانشگاه شهید باهنر.
۳. بیدج، موسی. (۱۳۹۳). مقدمه بدوی سرخ پوست، محمد الماغوط. تهران: نشر نگاه.
۴. سنگری، محمد. (۱۳۸۹). ادبیات دفاع مقدس. تهران: نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۵. شفیعی کدکنی. محمدرضا. (۱۳۸۰). شعر معاصر عرب. تهران: نشر سخن.
۶. کنفانی، غسان. (۱۳۶۱). ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی. ترجمه: موسی اسوار. تهران: نشر سروش.
۷. الماغوط، محمد. (۱۳۹۳). بدوی سرخ پوست. ترجمه: موسی بیدج. تهران: انتشارات نگاه.
۸. محمدی، محبوبه. (۱۳۸۹). قسم به نخل قسم به زیتون. تهران: نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

ب. مقاله‌ها

۹. اقتصادی‌نیا، سایه. (۱۳۸۹). مروری بر کارنامه شعر قیصر امین‌پور. نقد و بررسی. نامه فرهنگستان.
۱۰. امیری خراسانی، احمد؛ صدقیان‌زاده، قاسم. (۱۳۸۱). بررسی انتظار به‌عنوان عنصر پایداری با تکیه بر شعر قیصر امین‌پور و سلمان هراتی. نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. س: ۳. ش: ۶.
۱۱. ایشانی، طاهره. (۱۳۹۲). پیام‌های جهانی شاعران نیما یوشیج و قیصر امین‌پور. نشریه علمی-پژوهشی: مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی. دوره: ۴. ش: ۱۰۰.
۱۲. خومحمدی خیرآبادی، سعید. (۱۳۹۰). جلوه‌هایی از فرهنگ ایثار و شهادت در شعر انقلاب اسلامی. پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۳. روشن، محمدمهدی؛ اتق، نعمان. (۱۳۹۳). دغدغه‌های اجتماعی شعر قیصر امین‌پور. فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی. س: ۲. ش: ۵. پیاپی: ۵.
۱۴. روشنفکر، کبری؛ زارع برمی، مرتضی؛ قبادی، حسن. (۱۳۹۰). تحلیل تطبیقی درون مایه‌های مقاومت در اشعار سمیع القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور. فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی زبان و ادبیات تطبیقی. د: ۲. ش: ۸.
۱۵. صدقی، حامد؛ زارع، مرتضی. (۱۳۹۳). تحلیل نمادهای شعر اعتراض در ادبیات معاصر عراق بر اساس اشعار حسن السید. مجله علمی-پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. ش: ۳۰.
۱۶. صرفی، محمدرضا؛ هاشمی، سیدرضا. (۱۳۹۰). دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور. نشریه ادبیات

- پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. ش: ۴.
۱۷. صهبا، فروغ. (۱۳۸۴). شعر پایداری هنر مبارزه با دشمنان سه گانه. مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری. به کوشش دکتر احمد امیری خراسانی. کرمان: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۱۸. غنی‌پور، احمد؛ خلیلی، احمد؛ مهدی نیایی، محسن. (۱۳۹۱). تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفارزاده. نشریه ادبیات پایداری. دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال: ۴. شماره: ۷.
۱۹. فتحی‌زاده، اله‌کرم. (۱۳۹۵). اینار و شهادت در اشعار قیصر امین‌پور و محمد العبد.
۲۰. فلاحی، صادق. (۱۳۹۳). اعتراض اجتماعی در شعر قیصر امین‌پور. فصل‌نامه علمی-تخصصی: در دری. دانشگاه آزاد اسلامی. واحد نجف‌آباد. س: ۴. ش: ۱۱.
۲۱. قربان‌پورآرانی، حسین. (۱۳۷۸). ادبیات پرخاشنگر و زمینه‌های اجتماعی و آثار آن. کیهان فرهنگی. ش: ۱۶۱.
۲۲. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۷). ویژگی‌های مشترک شعر مقاومت در ادبیات ایران و جهان. مجموعه مقالات دومین کنگره ادبیات پایداری. به کوشش: احمد امیری خراسانی. کرمان: اداره حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۳. کرمی، بیژن. (۱۳۹۰). نگاهی اجمالی به زندگی مشقت‌ها و شعر محمد الماغوط. دانشگاه علامه طباطبایی تهران. پژوهش‌های نقد و ترجمه زبان و ادبیات عربی. س: ۱. ش: ۱۰.
۲۴. گرجی، مصطفی. (۱۳۸۷). بررسی ماهیت و مفهوم درد و رنج در اشعار قیصر امین‌پور، فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی. سال: ۵. ش: ۲۰.
۲۵. قادری، فاطمه. (۱۳۹۰). جلوه‌های مقاومت در آثار محمد الماغوط. نشریه علمی-پژوهشی ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. س: ۲. ش: ۴.
۲۶. قادری، فاطمه؛ زینی، مهری. (۱۳۸۸). زمینه‌های اجتماعی شعر شاملو و محمد الماغوط. ادبیات تطبیقی (ادب و زبان نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان). دوره ۱. شماره ۱.
۲۷. مجیدی، حسن. (۱۳۹۱). ادبیات مقاومت و فلسفه پیدایش مقاومت در کشورهای اسلامی تحت اشغال؛ فلسطین و عراق به‌عنوان نمونه. دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال: سوم. شماره: ششم.
۲۸. محسنی‌نیا، ناصر. (۱۳۸۸). مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب، نشریه علمی-پژوهشی ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه شهید باهنر کرمان. سال: اول. شماره: اول.